

خشونت نمادین در خانواده

قاسم ابراهیمی پور*

چکیده

خشونت خانگی انواع مختلفی از جمله قتل، ضرب و جرح، توهین و تحقیر را دربر می‌گیرد. اما انواع مهم‌تری از خشونت نیز وجود دارد که هژمونی فرهنگی مانع از آن است که حتی از سوی افرادی که متحمل آن می‌شوند، خشونت تلقی شود. هدف این پژوهش، بررسی مهم‌ترین عوامل همسرآزاری با هدف ارائه تبیینی دینی است که با رویکرد تحلیلی به بررسی متون دینی پرداخته است. تحمیل کار در منزل و قبح طلب اجرت در موارد مشروع و مهریه از سوی زن، همان خشونت نمادین است که زمینه‌ساز بسیاری از انواع خشونت‌ها می‌شود. اما اگر باور جمعی انجام این امور را لطف زن و نه وظیفه الزامی او بداند، اولاً، توقع انجام آنها از بانو نمی‌رود؛ ثانیاً، در مقابل ترک آن آزار یا توبیخی وجود نخواهد داشت و ثالثاً، در صورت انجام این امور از سوی بانو، وی مورد تقدیر شایسته قرار می‌گیرد. بر این اساس، بهترین راهبرد کاهش خشونت خانگی، تحقق هنجارهای دینی در عرصه اجتماع می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جنس، جنسیت، خشونت، خانواده، اسلام، خشونت نمادین، حقوق زن.

مقدمه

تألیف محمدرضا سالاری فر اشاره کرد. همچنین مقالات بسیاری در این زمینه به چاپ رسیده‌اند، از جمله: «همسرکشی و همسرآزاری»، نوشته شهلا اعزازي، «بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران»، نوشته آقابیکگی لو و «نمایی از مظلومیت زن در جاهلیت قدیم و جاهلیت جدید»، نوشته معصومه صابری. اما اغلب پژوهش‌های موجود با روش‌های تجربی به بررسی این مسئله پرداخته‌اند و تعداد اندکی هم که از دیدگاه متون دینی انجام شده است نیز به بررسی مصادیق بارز خشونت خانوادگی توجه نموده‌اند. بنابراین، بررسی اساسی‌ترین عوامل همسرآزاری به عنوان مسئله این نوشتار از دیدگاه متون دینی ضروری است. و این بدین معنا نیست که مردان ظالم‌اند و زنان مظلوم، و هیچ ستمی از سوی زنان به مردان وارد نشده، بلکه فقط حدود این تحقیق را تعیین می‌کند. وجه تمایز این نوشتار از پژوهش‌های دیگر در خصوص همسرآزاری، توجه به مصادیقی از خشونت است که حافظه جمعی از آنها به عنوان خشونت یاد نمی‌کند و بررسی آن از نگاه دینی به منظور اصلاح منطقی وضعیت زن از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است: مهم‌ترین عوامل پدیده همسرآزاری از دیدگاه متون دینی چیست؟
سؤالات فرعی نیز عبارتند از: ۱. مصادیقی از همسرآزاری که مورد غفلت فرهنگی واقع شده است کدامند؟ ۲. نظر دین در مورد این خشونت‌ها چیست؟ ۳. با رفع این موارد از خشونت‌ها، چه تحولی در وضعیت اجتماعی زن ایجاد می‌شود؟ در این مقاله، ضمن تعریف همسرآزاری و مروری اجمالی بر نظریه‌های همسرآزاری، به تبیین مسئله بر اساس نظریه خشونت نمادین و آموزه‌های دینی می‌پردازیم. بدیهی است روش

خداوند متعال انسان انتخابگر را اشرف مخلوقات قرار داد و با ارسال رسل و تشریح قوانین الهی، راه رسیدن به مقام قرب خود را به او آموخت. اما از آن‌رو که تکامل با وجود اراده و اختیار معنا می‌یابد، بسیاری در این مسیر به بی‌راهه رفته و اسیر متاع غرور دنیا می‌شوند؛ و عده‌ای با استثمار دیگران، نه خود راه به جایی می‌برند و نه به دیگران چنین اجازه‌ای می‌دهند. زنان گروهی هستند که در طول تاریخ جهان همواره مورد استثمار برخی از مردان بوده و در معرض خشونت قرار داشته‌اند. ادیان الهی در مبارزه دایمی با انحطاط و گمراهی انسان‌ها راهبردهایی را به منظور رهایی همه انسان‌ها و بخصوص زنان از این آسیب‌ها طرح نموده‌اند. دین اسلام نیز به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، با ارائه شناخت کاملی از حقیقت انسان و توجه دقیق به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد با جعل هنجارهای الزامی و غیرالزامی برای آن دو، مدعی است تنها و بهترین شیوه اصلاح نابسامانی‌های وضعیت زن و مرد را ارائه نموده است؛ یعنی رعایت حقوق زن که در آموزه‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است، تنها راهی است که با حفظ کرامت و انسانیت وی، جایگاه حقیقی او را در نظام خانواده و جامعه محقق می‌سازد و ظلم و خشونت علیه آنها را از بین می‌برد.

پژوهش‌های فراوانی در مورد همسرآزاری، بخصوص در دو دهه اخیر انجام شده است که مهم‌ترین و گسترده‌ترین آنها «طرح ملی خشونت علیه زنان» است که توسط امور اجتماعی وزارت کشور و مرکز مشارکت امور زنان در ۲۸ استان کشور اجرا شد. کتاب‌های متعددی در این زمینه منتشر شده است که می‌توان به **علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان**، نوشته شهین مولاووردی، **خشونت خانوادگی نوشته شهلا اعزازي و خشونت علیه زنان**،

زن در آن دوره از چنان جایگاه پستی برخوردار بود که مرد می‌توانست وی را به مرد دیگری امانت دهد تا از خدمات او استفاده نماید و رضایت زن هم در این امر اهمیتی نداشت. آنها این عمل را از اعمال خیر می‌دانستند و کمک به یک همدین تنگدست می‌شمردند.^(۵) در صورتی که مرد از دنیا می‌رفت و فرزند پسری نداشت، برای اینکه نسل او قطع نشود، همسر او (یا دختر و یا یکی از زنان نزدیکش) را به مردی تزویج می‌کردند تا فرزند پسری بیاورد و نام او فانی نشود.

در مورد ارث، زن ممتاز و پسران به طور مساوی ارث می‌بردند و به دختران مجرد نصف سهم می‌دادند، اما چاکر زن و فرزندان او حق ارث نداشتند؛ هرچند پدر می‌توانست چیزی از دارایی خود را به آنها ببخشد یا وصیت کند.^(۶) این موقعیت زن در ایران باستان و بسیاری از جوامع بود که مورد انتقاد دین اسلام قرار گرفت. آموزه‌های اسلام با ترسیم الگویی جدید از روابط زن و مرد و جعل قوانین مترقی برای ازدواج و شرایط آن، به دفاع از موقعیت زن پرداخت. از جمله این هنجارها و جوب پرداخت مهریه از سوی مرد، حق دریافت اجرت شیردهی از سوی مادر و همچنین رد هرگونه تحمیل کار در منزل به زن بود که به مرور زمان در اثر تحولات فرهنگی به دست فراموشی سپرده شد تا جایی که خود زنان نیز هیچ ادعایی نسبت به احیای آن ندارند.

ادعای این نوشتار این است که انحطاط فرهنگی جوامع مسلمان، خشونت‌های پنهانی را به زن تحمیل می‌کند که مورد غفلت بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته و حال اینکه خود زمینه‌ساز بسیاری از خشونت‌های دیگر است. بنابراین، علت وجود نابسامانی در خانواده و خشونت علیه زنان ناشی از انحطاط فرهنگ از اصول اسلامی و نادیده انگاشتن حقوق زن می‌باشد.

در این پژوهش، تحلیلی است که با مراجعه به متون دینی به بررسی این موضوع می‌پردازد.

ادعای ما در این پژوهش این است که زنان در بسیاری از جوامع، نه فقط از دسترسی به منابع کمیاب ثروت، قدرت، منزلت و اطلاعات محروم مانده‌اند، بلکه تحت هژمونی فرهنگی آن‌را کاملاً پذیرفته و با آن خو گرفته‌اند، به گونه‌ای که دیگر آن‌را خشونت محسوب نمی‌کنند. و این همه ناشی از عدم توجه به حقوق شرعی زن و رعایت آن در سطح جامعه می‌باشد.

در ایران باستان یک مرد از طبقه اشراف مجاز بود بدون هیچ محدودیتی با زن‌های متعددی ازدواج کند. پس از ازدواج نیز هیچ شرطی از قبیل اجرای عدالت میان همسران وجود نداشت.^(۱) یکی از زنان که «پادشاه زن» نام داشت، از منزلتی بالاتر و حقوق کاملی برخوردار بود و زن‌های دیگر که «چاکر زن» نامیده می‌شدند موقعیتی پست داشتند تا جایی که از میان فرزندان آنها فقط پسران در خانواده پدری پذیرفته می‌شدند.^(۲) به موجب قانون زناشویی، فقط شوهر شخصیت حقوقی داشت. او بر اموال زن ولایت داشت و زن بدون اجازه شوهر حق نداشت در اموال خویش تصرف کند، مگر اینکه شوهر به وسیله یک سند قانونی زن را شریک خویش سازد. فقط در این صورت، زن شریک‌المال می‌شد و می‌توانست در اموال خود تصرف کند.^(۳)

در این شرایط اجتماعی، هرگاه شوهری به زن خود می‌گفت: «از این لحظه تو آزاد و صاحب اختیار خودت هستی»، هرچند زن بدین وسیله از نزد شوهر خود طرد نمی‌شد، ولی اجازه می‌یافت به عنوان چاکر زن، شوهر دیگری اختیار کند. البته در این دوره نیز تحت تابعیت شوهر اول بود و اگر فرزندان به دنیا می‌آورد متعلق به شوهر اول بود.^(۴)

تعریف همسرآزاری

«آزار» در لغت به معنای رنج، عذاب، شکنجه، عقوبت، آسیب و گزند است.^(۷) مهم‌ترین معادل‌های آزار در زبان عربی «ایذاء» و «الخشونة» می‌باشد. ایذاء در لغت به معنای چیزی است که انسان از آن کراهت دارد؛ خواه کراهت خفیف و خواه کراهت شدید.^(۸) ایذاء، هرگونه آسیب و رنجش، از جمله صدمه و خسارت ناحق، ضرر و زیان، توهین، بدی، تحقیر، عذاب و شکنجه را دربر می‌گیرد.^(۹) ابن‌فارس در معنی ایذاء می‌گوید: «چیزی است که از آن نفرت داری و آن را نمی‌پذیری.»^(۱۰) راغب نیز می‌نویسد: «آذی، زبانی است که به جاندار می‌رسد؛ به جانش، یا به جسمش، یا به پیامدهای دنیوی یا اخروی اش.»^(۱۱)

«خشونت علیه زنان»، در اصطلاح عبارت است از: هر عملی که حاوی زور و اجبار شفاهی یا فیزیکی و یا تهدید جانبی، علیه یک زن یا دختر باشد و منجر به بروز آسیب‌های روانی یا فیزیکی، تحقیر و یا محرومیت اجباری از آزادی او شود و یا جنس دوم بودن زن را القاء کند.^(۱۲) کمیسیون مقام زن با شرکت ۴۸ کشور در سال ۱۹۹۳ این اصطلاح را چنین تعریف می‌کند: عبارت «خشونت علیه زنان» به معنای هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا سبب احتمال بروز آسیب‌های جسمانی، جنسی یا روانی یا رنج و آزار زنان، از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌گردد.^(۱۳)

اما مواردی از خشونت نیز وجود دارد که تعاریف فوق آن را بر نمی‌تابد و آن خشونت‌هایی است که تحت تأثیر هژمونی فرهنگی، حتی از سوی خود زنان، خشونت محسوب نمی‌شود و حال اینکه این خشونت‌های پنهان

که از آن به «خشونت نمادین» یاد می‌کنیم، زمینه بسیاری دیگر از خشونت‌های آشکار را فراهم می‌نماید.

تبیین همسرآزاری

بررسی‌ها در زمینه خشونت در خانواده، دو دوره متفاوت و برجسته را پشت‌سر گذاشته است. بررسی‌های اولیه از روشی استفاده کرده‌اند که قربانیان خشونت در خانواده را مقصر می‌شناخت. در این بررسی‌ها دلایل خشونت میان زن و شوهر به نیروهای شخصی یا درونی نسبت داده می‌شد و نیروهای اجتماعی بیرونی چندان مسئول شناخته نمی‌شدند. گروه دوم بررسی‌ها به ارزیابی شواهد موجود پرداخت و به این نتیجه رسید که خشونت در خانواده دلایل متعدد و چند بعدی دارد و عوامل روان‌شناختی و اجتماعی متعددی در کار هستند.^(۱۴) برخی از رویکردهای عمده در تبیین این پدیده به شرح زیر می‌باشد:

«رویکرد زیست‌شناختی» میزان بیشتر هورمون مردانه در مردان را عامل مؤثری در رفتارهای پرخاشگرانه شمرده است.^(۱۵) اما این مسئله فقط استعداد بیشتر مردان را برای ارتکاب به خشونت می‌رساند و نه بیش از آن.

«نظریه یادگیری اجتماعی» بر این باور است که یادگیری کودکان در خانواده، همراه با جامعه‌پذیری جنسیتی متفاوت از طریق ساختار اجتماعی جامعه - که در آن منع اخلاقی و اجتماعی نسبت به رفتار خشن وجود ندارد - احتمال رفتار خشن افزایش می‌دهد.^(۱۶)

بر اساس رهیافت روان‌شناختی «نظریه کنترل اجتماعی»، فقدان یا ضعف کنترل فرد به وسیله نیروهای درونی و بیرونی، عامل ارتکاب جرم و کجروی و قانون‌شکنی و از جمله خشونت خانگی است.

«نظریه‌های فرهنگی» می‌گویند: مردانی که در خانواده دست به خشونت می‌زنند، کسانی هستند که در

زنان و دلایل و انگیزه‌های زنان برای سازگاری با شوهران خشن، رویکرد دیگری به موضوع خشونت خانگی است. در تحلیل‌های فمینیستی، خشونت مردان به تمایل آنان به سلطه بر زنان ربط داده می‌شود. خشونت در خانه نه نشانه فقدان کنترل، بلکه وسیله‌ای برای ایجاد کنترل است. برخی از روان‌شناسان اجتماعی نیز اخیراً اظهار داشته‌اند که پرخاشگری و خشونت فرایندی قهرآمیز است که تصمیم آگاهانه فرد پرخاشگر را منعکس می‌سازد.

از دیدگاه فمینیست‌ها که اصولاً رفتار خشن را به معنای رفتار خشن مردان نسبت به زنان و کودکان در نظر می‌گیرند، علت اصلی خشونت وجود ساختار اجتماعی پدرسالار در جامعه است که در سلسله مراتب موجود سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و همچنین در روابط اجتماعی افراد قابل مشاهده است. این سلسله مراتب، مردان را به عنوان اعضای فرادست جامعه و زنان را به عنوان اعضای فرودست جامعه در نظر می‌گیرد. ایدئولوژی‌هایی هم که در جامعه تبلیغ می‌شوند و بر مشروعیت جایگاه برتر مردان و وجود نابرابری اجتماعی میان زن و مرد تأکید می‌کنند از طرف هر دو جنس مورد قبول قرار گرفته‌اند. (۲۲)

از دیدگاه نظریه پردازان فمینیستی، خشونت خانوادگی را نمی‌توان تنها به صورت پدیده‌ای در نظر گرفت که در رابطه میان یک زن و یک مرد وجود دارد، بلکه از آن رو که خشونت خانگی بازتاب یک نظام اجتماعی پدرسالار است، باید آن را در شکل حاکمیت کلیه مردان بر کلیه زنان در نظر گرفت؛ نظامی که هم در شکل تاریخی و هم در شکل تطبیقی وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. (۲۳)

مارتین (۱۹۸۵)، محقق خشونت خانگی، عقیده دارد: در جوامعی که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی آنان براساس بی‌اعتباری، تحقیر و استثمار زنان

محیط‌های فرهنگی - اجتماعی خاصی زندگی می‌کنند که حاکمیت مردان بر زنان طبیعی در نظر گرفته می‌شود و پرخاشگری و خشونت به عنوان یک ویژگی مردانه و فرمان‌برداری به عنوان یک ویژگی زنانه مطرح است. (۱۷) «ضعف کنترل رسمی» نظریه دیگری است که منشأ عدم توجه یا دیر توجه کردن به مسئله خشونت زناشویی را پیشینه فرهنگی و قانونی عدم مداخله در امور دیگران و خصوصی انگاشتن نزاع‌های خانوادگی می‌داند؛ (۱۸) یعنی نه تنها جامعه خشونت را مجاز در نظر می‌گیرد، بلکه از آن رو که در جامعه خانواده به عنوان محدوده‌ای خصوصی مطرح است، برای دولت امکان نظارت بر رفتار افراد در این محدوده خصوصی نیز وجود ندارد. (۱۹)

در تحلیل «ساختاری»، خشونت معمولاً به صورت پنهان و پوشیده صورت می‌گیرد؛ فرد خاصی را به عنوان عامل خشونت نمی‌توان در نظر گرفت و اعمال خشونت برخلاف خشونت فردی به صورت غیرمستقیم است. تظاهرات خارجی خشونت ساختاری را تنها می‌توان به شکل تقسیم نابرابر اقتدار و تقسیم نابرابر شانس‌های زندگی مشاهده کرد، نه به صورت صدمات بدنی. هر دو نوع خشونت (ساختاری و فردی) بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند. هدف هر دو نوع خشونت، ایجاد سلطه و تأثیرگذاری بر افراد برای کاستن از امکان تحقق توانایی‌های بالقوه فرد است. (۲۰) بنابراین، تا زمانی که ساختار جامعه بر نابرابری اجتماعی استوار باشد، ارزش‌ها و نگرش‌های خشونت موجود در جامعه تحمل گردند، دگرگونی‌های اساسی در قوانین جامعه ایجاد نشود، تسهیلات لازم در اختیار افراد قربانی قرار نگیرد و نیز انجام دادن هر نوع عمل خشن در جامعه مورد تقیح قرار نگیرد، امکان برخورد با این پدیده وجود ندارد. (۲۱)

توجه به انگیزه مردان از ارتکاب به خشونت علیه

شکل گرفته است، خشونت مردان نسبت به زنان رسم و قاعده زندگی است. (۲۴)

جان هگن در مورد رابطه جنسیت با انحرافات اجتماعی می‌گوید: نرخ جنایت زنان نسبت به مردان بسیار پایین‌تر از مردان است؛ زیرا مردان در حوزه عمومی فعالیت بیشتری دارند و تحت نظارت رسمی قرار می‌گیرند، اما زنان بیشتر در محیط خصوصی خانواده قرار داشته و تحت نظارت غیررسمی قرار می‌گیرند؛ یعنی زنان بیش از مردان تحت نظارت غیررسمی واقع می‌شوند. مادران بیش از پدران عامل اجرای نظارت غیررسمی بر فرزندان هستند و دختران بیش از پسران مورد نظارت غیررسمی واقع می‌شوند. بنابراین، محدودیت‌هایی که خانواده برای زنان ایجاد می‌کند از یک سو و جامعه‌پذیری دختران در چنین خانه‌ای از سوی دیگر، موجب کاهش نرخ جنایت زنان می‌شود. (۲۵)

همان‌گونه که خواننده محترم توجه دارد، هریک از نظریه‌های مزبور از دیدگاهی خاص به بُعد یا ابعادی از مسئله خشونت خانگی پرداخته‌اند. نقطه مشترک همه نظریه‌های فوق - بدون اینکه بخواهیم به بررسی نقاط قوت یا ضعف آنها بپردازیم - این است که به خشونت‌های آشکاری همچون ضرب و جرح و توهین و تحقیر اشاره دارند که جامعه هم آن را خشونت می‌پندارد و این، تفاوت بارز «نظریه خشونت نمادین» با همه نظریه‌های فوق است که اکنون به طرح آن می‌پردازیم.

نظریه خشونت نمادین

نظریه‌هایی که به تبیین همسرآزاری پرداخته‌اند، هریک جنبه‌ای از مسئله فوق را مورد توجه قرار داده‌اند. اما به نظر می‌رسد باید عوامل بنیادین و اساسی این مسئله را در نظریه «خشونت نمادین» جست‌وجو کرد. خشونت

نمادین (۲۶) یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم در اندیشه اجتماعی پیر بوردیو (۲۷) جامعه‌شناس و انسان‌شناس معاصر فرانسوی است. در دیدگاه بوردیو، این مفهوم با مفهوم «سرمایه نمادین» پیوند کاملی دارد. در واقع، خشونت یا قدرت نمادین صرفاً یک ظرفیت و امکان اعمال قدرت یا خشونت است، اما همین امکان سبب می‌شود که افراد به شدت رفتارهای خود را کنترل کرده و خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند. البته چنین خشونتی می‌تواند سطوح کارایی بسیار پایین یا بسیار بالایی داشته باشد که این امر بستگی به سرمایه کل شخص، یعنی مجموعه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی (روابط و مناسبات)، اقتصادی (ثروت)، نمادین (کارزمایی و حیثیت اجتماعی) و فرهنگی (تحصیلات دانش و مهارت‌های فرهنگی) او دارد.

بنابراین، خشونت نمادین برای نایل شدن به هدف خود باید بتواند از شکل صریح و تعارض مستقیم به شکلی غیرمستقیم درآید. «میدان» - از دیگر مفاهیم اساسی نظریه بوردیو - نیز نوعی ساختار توزیع انواعی از سرمایه است. چنین سرمایه‌ای، بنابر نوع میدان، می‌تواند یا اقتدار دانشگاهی باشد، یا شهرت روشن‌فکرانه، یا قدرت سیاسی، یا قدرت فیزیکی. کسی که درون این میدان وارد می‌شود بلافاصله در نوعی ساختار قرار می‌گیرد که همان ساختار توزیع سرمایه است. (۲۸)

بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت: خشونت نمادین یک ظرفیت و امکان اعمال قدرت یا خشونت است که سبب می‌شود افراد به شدت رفتارهای خود را کنترل کرده و خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند. خشونت نمادین، خشونت تحمیل‌کننده اطاعت‌هایی است که نه فقط به مثابه اطاعت درک نمی‌گردند، بلکه با اتکا بر «انتظارات جمعی» و باورهای از

این صورت، دیگر قادر به دفاع از حقوق خود نبوده و به ناچار سرتسلیم فرود می‌آورند و تحت القائنات فرهنگی، وضعیت جدید خود را طبیعی تلقی کرده و نه تنها خشونت را می‌پذیرند، بلکه دیگر آن را خشونت هم به حساب نمی‌آورند.

به عبارت دیگر، از یک سو، در تقسیم کار اجتماعی مسئولیت‌هایی به عهده زنان قرار داده شده است که به سختی قادر به دستیابی به شغل مناسب و درآمد یا تحصیل علم و کسب منزلت اجتماعی متناسب با آن هستند و از سوی دیگر، از حقوقی که شرع مقدس اسلام برایشان معین نموده است و همین حقوق می‌تواند موقعیت آنها را به خوبی تغییر دهد، نیز منع می‌شوند. اگر زنان به حقوق مادی و معنوی خود دست یابند، از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار شده و در روابط خانوادگی موقعیت مناسبی می‌یابند که خود به خود موجب احترام متقابل و کاهش آزارها خواهد شد.

بنابراین، اگر زن از حقوق مادی و معنوی خود و حمایت اجتماعی خویشاوندان و حکومت، که در آموزه‌های دینی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، برخوردار باشد اولاً، دیگر در موقعیتی نیست که به راحتی مورد آزار قرار گیرد و ثانیاً، توصیه صبر و سازگاری به او معنا می‌یابد. و این مهم تنها با شناسایی خشونت‌های نمادین به عنوان اساسی‌ترین عامل خشونت میسر است. مهم‌ترین مواردی که از دیدگاه فرهنگ در زمره وظایف الزامی بانو تلقی می‌شوند، اما از منظر شرع مقدس اسلام چنین نیست، می‌توان به کار در منزل، پذیرایی از میهمان، شیردهی و پرورش فرزندان و بخشش مهریه اشاره نمود. البته روشن است که حقوق زن از دیدگاه متون دینی فراتر از این است و بررسی این موارد فقط از حیث اهمیت آن و تحدید موضوع پژوهش صورت گرفته

لحاظ اجتماعی درونی شده فهمیده می‌شوند. نظریه خشونت نمادین، همچون «نظریه جادو»، بر یک نظریه باوری و یا به عبارت بهتر، بر یک نظریه بازتولید باورها استوار است؛ یعنی نظریه‌ای که نشان می‌دهد چگونه برای تولید کنش‌گرانی برخوردار از قالب‌های دریافتی و ادراکی خاص، که به آنها امکان دریافت و اطاعت از دستورات درون یک موقعیت یا یک گفتار را می‌دهد، عمل اجتماعی شدن ضروری است. (۲۹)

خشونت نمادین می‌تواند در برخی موقعیت‌ها و با صرف برخی هزینه‌ها، بسیار بهتر از خشونت سیاسی - پلیسی عمل کند. بنابر نظریه خشونت نمادین، خشونت‌هایی در جامعه وجود دارند که تحت تأثیر باورهای فرهنگی اصلاً خشونت به شمار نمی‌آیند و حال اینکه بسیاری از خشونت‌های آشکار دیگر نیز ریشه در آنها دارند. در این بخش تلاش خواهیم کرد با استفاده از این نظریه به تبیین همسرآزاری بپردازیم.

آنچه در اغلب جوامع از دیدگاه عرف یا قانون، خشونت علیه زنان محسوب می‌شود، مواردی همچون: قتل، ضرب و جرح، توهین، خشونت روانی، خشونت اقتصادی و خشونت جنسی می‌باشد که در تحقیقات اجتماعی از آنها یاد شده و عوامل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما موارد دیگری هم وجود دارد که فرهنگ حاکم بر جامعه از آن به عنوان خشونت یاد نمی‌کند و به تبع آن، حتی زنان که قربانی این نوع از خشونت هستند نیز آن را خشونت نمی‌شمارند و این در حالی است که ریشه اصلی بسیاری از خشونت‌های آشکار دیگر همین موارد هستند. از طریق اعمال این خشونت‌ها و تحت فشار اجتماعی، زنان به راحتی از دسترسی به منابع کمیاب اجتماعی (ثروت، منزلت، قدرت و اطلاعات) منع می‌شوند و از این رهگذر به شهروند درجه دوم تبدیل می‌گردند که در

کنار آمده و نه تنها آن را می‌پذیرند، بلکه به هنگام ازدواج خود را برای انجام همه این امور مهیا می‌کنند.

البته نگارنده توجه دارد که مرد نیز برای تأمین معاش خانواده خود زحمات فراوانی متحمل می‌شود و در بسیاری موارد با فعالیت در دو یا چند شغل تلاش می‌کند نیازهای خانواده خود را فراهم نماید. اما بجز مواردی اندک، اغلب از مرخصی‌های ماهیانه و سالیانه از یک سو و حقوق و پاداش و بازنشستگی برخوردارند، در حالی که زن نه تنها از چنین حقوقی برخوردار نیست، بلکه از نگاه فرهنگی انجام امور منزل از جمله وظایف الزامی او به حساب می‌آید و این همان چیزی است که خود او هم آن را پذیرفته است.

و حال اینکه بر اساس آموزه‌های دین اسلام و فتاوی علمای کار در منزل وظیفه الزامی زن نیست و نمی‌توان او را به این امر مجبور کرد. به عبارت دیگر، به طور عام هیچ کس حق ندارد وظیفه خود را به دوش دیگری بیندازد؛ و به طور خاص مرد نیز مجاز نیست کارهای خود را به همسرش تحمیل کند. روایت زیر شاهی بر این ادعاست: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که زحمتش را بر دوش مردم بیندازد، ملعون است.» (۳۰)

همکاری امیرالمؤمنین علیه السلام در امور منزل به همسر خود حضرت فاطمه علیها السلام نیز شاهد دیگری بر این است که مرد نباید توقع انجام همه امور منزل توسط بانو را داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام همیزم می‌آورد، آب می‌آورد، جاروب می‌کرد؛ فاطمه زهرا علیها السلام آسیاب می‌کرد، خمیر می‌کرد و نان می‌پخت.» (۳۱)

فقه‌های معاصر، از جمله امام خمینی، (۳۲) آیت‌الله خوئی، (۳۳) آیت‌الله سیستانی، (۳۴) آیت‌الله تبریزی (۳۵) و آیت‌الله فاضل لنکرانی (۳۶) نیز در این زمینه چنین فتوا داده‌اند که «مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند.»

است. صرف باور به این مسائل تحت عنوان «هنجارهای الزامی موقعیت بانویی از سوی افراد جامعه»، زن را در موقعیتی فرودست جای می‌دهد و بسیاری از فرصت‌ها را از دست وی می‌ستانند. اما اگر زن همه کارهای فوق را هم انجام دهد، اما خود او و باور فرهنگی جامعه آن را لطفی از ناحیه وی و نه وظایف الزامی اش تلقی نماید، شاهد ارتقای موقعیت زن در جامعه خواهیم بود. اکنون به توضیح هریک از موارد فوق می‌پردازیم.

۱. تحمیل کار در منزل به زن

در بسیاری از جوامع طبق یک تقسیم کار فرهنگی، تمام کارهای منزل از جمله آشپزی، نظافت منزل، رسیدگی به امور فرزندان، پذیرایی از میهمان و حتی در موارد بسیاری خیاطی و خرید وسایل و مواد مورد نیاز در منزل بر عهده زن قرار دارد. در این تقسیم کار نه تنها هیچ‌گونه پرداخت اجرت، تعطیلی، مرخصی و بازنشستگی وجود ندارد، بلکه هیچ عذری از زن نیز در ترک وظایف خود پذیرفته نیست. از سوی دیگر، داشتن فرزندان خردسال، اشتغال در خارج از منزل و اشتغال به تحصیل و اموری از این قبیل نیز برای زن هیچ‌گونه تغییری در این تقسیم کار به وجود نمی‌آورد و زن موظف به انجام همزمان همه آنهاست. در تعطیلات رسمی، از جمله تعطیلات عید نوروز و روزهای جمعه، در مسافرت‌های تفریحی و زیارتی، به هنگام حضور میهمان در منزل و غیره، مرد با مجوز عرف به راحتی می‌نشیند و به اصطلاح خستگی ناشی از کار روزمره را از تن بیرون می‌کند، اما زن با رضایت کامل ناشی از فرهنگ حاکم بر جامعه با تلاشی بی‌وقفه به آماده کردن وسایل آسایش سایر اعضای خانواده می‌پردازد. نکته قابل توجه در این مورد این است که زنان نیز با جامعه‌پذیری در این فرهنگ به راحتی با آن

۲. پذیرایی از میهمان

نکنی. او گفت: می‌پذیرم. آن‌گاه آن حضرت دعوت او را اجابت نمود. (۳۷)

اسلام با جدا کردن هنجارهای الزامی و هنجارهای غیرالزامی، حدود انتظارات موقعیت مقابل را محدود به هنجارهای الزامی کرده است؛ یعنی هنجارهای غیرالزامی بیان وظیفه نیستند که در موقعیت مقابل توقع و انتظار ایجاد کنند و در صورت برآورده نشدن انتظارات، این حق را داشته باشد که اقدام به اعمال کنترل اجتماعی نماید. دیگر اینکه اسلام با اعلام استحباب انجام دادن برخی کارها توسط بانو، معنای عمل را تغییر داده است. در بسیاری از نظام‌های خانواده در جوامع گوناگون، انجام امور منزل و پذیرایی از میهمان جزو وظایف بانو و حق شوهر است. اما در نظام خانواده اسلامی، شوهر می‌داند که چنین حقی ندارد و اگر بانو این امور را انجام می‌دهد از روی لطف است. بانو نیز با توجه به خداوند و برای رضای او و تقرب به او و برای دریافت پاداش از خداوند اقدام به این کار می‌کند. (۳۸) همین تغییر در باورها بسیاری از روابط مرد و زن را متحول می‌سازد و بسیاری از آزارهای جنسیتی را رفع می‌نماید.

۳. عدم پرداخت مهریه

وضعیت زیستی و اجتماعی زنان به نحوی است که موجب شده در بعد اقتصادی در تمام دوره‌های تاریخ از مردها در سطح پایین‌تری قرار داشته باشند. زنان در مدت بارداری و پس از زایمان که به شیردهی و پرورش نوزاد می‌پردازند، عملاً نمی‌توانند فعالیت و کار درآمدزایی داشته باشند. افزون بر این، حتی در عصر حاضر در بیشتر جوامع مسئولیت اداره خانه با زنان است و این خود وقت بسیاری از آنها می‌گیرد، بدون آنکه در برابر آن درآمدی کسب کنند. از این رو، قرار دادن مهریه برای خود زن - و نه

خصلت میهمان‌نوازی مسلمانان و همچنین رازداری که تحت عنوان «آبروداری در حضور میهمان» مطرح می‌شود، مطابق همان تقسیم کار فرهنگی - که ذکر آن گذشت - موجب شده تا مرد بدون هماهنگی با همسر خود افرادی را به عنوان میهمان به منزل دعوت کند و از همسر خود توقع داشته باشد که به بهترین نحو از آنها پذیرایی نماید که در بسیاری موارد به علت عدم آمادگی بانو و مهیا نبودن شرایط پذیرش میهمان، وی متحمل زحمات بسیاری خواهد شد. این در حالی است که شوهر خود در کنار میهمان اوقات خوشی را سپری می‌کند و در موارد بسیاری همچون شخصی که در رستوران خدمتکار را صدا می‌زند و سفارش غذا یا نوشیدنی می‌دهد، همسر خود را فرا می‌خواند و سفارش میوه، چای یا چیزهای دیگری می‌دهد. پس از رفتن میهمان هم باز این زن است که باید ظروف غذا را بشوید و خانه را نظافت نماید، بدون اینکه از سوی شوهر خود مورد تقدیر و تشکر قرار گیرد، و حال اینکه همه این امور در مقابل سیره معصومان علیهم‌السلام قرار دارد. ایشان نه تنها در امور منزل به همسر خود کمک می‌کردند، بلکه به دیگران نیز اجازه اجحاف به خانواده خود را نمی‌دادند. برای نمونه، هنگامی که مردی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با اصرار به منزل خود دعوت نمود، ایشان در پاسخ وی فرمودند: به شرطی دعوت تو را می‌پذیرم که به واسطه حضور من همسر خود را به کاری وادار نکنی و در حق او ستمی روا نداری. امام رضا علیه‌السلام فرمودند: مردی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام دعوت به عمل آورد. آن حضرت فرمود: دعوت تو را اجابت می‌نمایم، مشروط بر آنکه سه چیز را ضمانت کنی: از بیرون خانه چیزی برای ما تهیه نکنی، چیزی را در خانه از ما پنهان نمایی و اینکه در حق خانواده خویش اجحاف

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۳۲﴾ (نساء: ۳۲) آرزومند برتری‌ها نباشید که خدا به بعضی از شما بر بعضی دیگر داده است. برای مردان بهره‌ای است از آنچه به دست آورده‌اند و برای زنان نیز نصیبی، و از فضل خدا مسئلت کنید که او به همه چیز داناست.

در جامعه اسلامی مرد باید با رضایت کامل مهریه همسر خود را پرداخت نماید و زن بدون هیچ قبیح فرهنگی آن را بگیرد و البته در این شرایط، اگر تمایل داشت می‌تواند مقداری یا حتی تمام آن را به شوهر ببخشد.

﴿وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾ (نساء: ۴)؛ کابین زنان را به رضای خاطر بدهید و اگر زنان به طیب خاطر چیزی از آن را به شما بخشیدند بگیرید که حلال و گواراست.

باید این باور در فرهنگ جامعه اسلامی تحقق یابد که حتی اگر مرد نیاز مالی داشت نمی‌تواند به اجبار مهریه همسر خویش را از وی پس بگیرد؛ یعنی فشار اجتماعی نباید چنین اجازه‌ای را به وی بدهد. و این دقیقاً نقطه مقابل فرهنگی است که گرفتن مهریه توسط زن را قبیح می‌شمارد. ﴿وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ (نساء: ۲۱)؛ چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که با یکدیگر آمیزش داشتید و زنان از شما پیمان محکمی گرفته‌اند.

از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر آیه ﴿وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَنْدَهُبُوا بِبَعْضٍ مَّا آتَيْتُمُوهُنَّ﴾ (نساء: ۱۹)؛ (زنان را برای اینکه بعضی از آنچه به آنان داده‌اید بازپس گیرید به دشواری میندازید)، سؤال شد. آن حضرت فرمود: «گاهی اوقات مردی همسر خود را می‌زند تا مهریه را از او پس بگیرد. خداوند در این آیه مردان را از این کار ناپسند باز داشته است.» (۴۰)

پدر یا خویشان او - پشتوانه اقتصادی نسبتاً مطمئنی را برای او فراهم می‌آورد. در متون اسلامی، شواهدی وجود دارد که اهمیت اقتصادی مهریه را برای زنان نشان می‌دهد. به طور کلی، حبس یا انکار مهریه نوعی دزدی به شمار رفته و از جمله گناهانی است که خداوند آن را نمی‌بخشد. چنانچه فردی قصد پرداخت مهریه همسر خود را نداشته باشد، برقراری رابطه جنسی با همسر قانونی‌اش مانند روابط غیرمشروع تلقی شده است. حال اگر مهریه، تنها جنبه‌ای عاطفی داشت و صرفاً زمینه‌ای برای آغاز یک زندگی خانوادگی بود، ندادن آن به زن به این شدت مذمت و توبیخ نمی‌شد. نکته دیگر، تأکید رضایت طرفین بر مهریه است که همین امر آن را قانونی می‌کند و حتی اگر مقدار آن بسیار زیاد باشد قابل انکار و ترک نیست. (۳۹)

حال اینکه در بسیاری از جوامع و همچنین کشور ما پرداخت مهریه در غیر موارد اختلاف و طلاق - که با شکایت زن آن هم به صورتی تحقیرآمیز و با تقسیط چندساله که عملاً آن را بی‌ارزش می‌کند - بیشتر به افسانه می‌ماند که عبارت فرهنگی «مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته» حاکی از آن است.

علاوه بر این، زنان شاغل نیز در اغلب موارد دارای، ارث و درآمد خود را اگر به طور کامل تقدیم شوهر نکنند در هزینه‌های جاری منزل همچون خرید مایحتاج و وسایل موردنیاز و یا پرداخت اقساط و اموری از این قبیل به مصرف می‌رسانند و استفاده اختصاصی زن از درآمد خودش تحت یک جبر فرهنگی نامحسوس - که حتی خود زن هم آن را حس نمی‌کند - به حداقل می‌رسد. و حال اینکه زن وظیفه‌ای در تأمین مایحتاج زندگی ندارد و می‌تواند درآمد خود را به طور کامل به مصارف شخصی‌اش برساند.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ

از عبد‌الله بن عطا نقل است: به خانه حضرت باقر علیه السلام رفتم و در منزل حضرت بالش و پستی و غذاهای خوب و بر هم چیده دیدم. از امام پرسیدم: اینها چیست؟ فرمود: متاع زنان و زندگی آنهاست. (۴۵)

جابر بن عبد‌الله از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: جمعی به خانه امام حسین علیه السلام آمدند و گفتند: یا ابن رسول‌الله در خانه شما چیزهایی می‌بینیم که در خور شأن زاهدانه شما نیست، و مراد آنها فرش‌ها و پستی‌ها بود. امام علیه السلام فرمود: ما مهر زنان خود را می‌پردازیم و آنها از مهر خود اثاث خانه و آنچه بخواهند می‌خرند و چیزی از اینها مربوط به ما نیست. (۴۶)

۴. حق الزحمه شیر دادن فرزند

زن در دوران بارداری و ایام شیردهی از انجام بسیاری از اشتغالات درآمدها یا فعالیت‌های علمی و غیره معذور است و به طور عادی امور بسیاری را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از این رو، یکی از حقوقی را که دین مبین اسلام برای زن معین کرده، حق الزحمه شیر دادن است. اما این امر هم در اغلب فرهنگ‌ها مورد غفلت واقع شده و اگر چنین درخواستی از سوی زنی صورت گیرد به شدت از سوی عرف تقبیح می‌شود.

فتوای برخی علمای قدیم و معاصر شیعه در خصوص اجرت شیر دادن به شرح زیر است:
شیخ مفید: بر مرد است که اجرت شیردهی زن را بدهد. (۴۷)

ابن ادریس: اگر مادر اجرت طلب کند باید به او داد. (۴۸)

محقق حلی: اگر مادر اجرت بیشتری از بقیه طلب کند، مرد می‌تواند فرزند را از مادر بگیرد و برای شیر دادن به دیگری بدهد. (۴۹)

علامه حلی: زن حق دارد در مقابل شیر دادن فرزند

براساس آموزه‌های اسلام، مردی که قصد پرداخت مهریه همسر خود را ندارد زناکار، و دزدی است که پست‌ترین گناهان را مرتکب شده و نباید امیدی به آمرزش خداوند داشته باشد، مگر اینکه مهریه همسر خود را پرداخت نماید. اگر این باورها در فرهنگ جامعه تحقق یابد، زن موقعیت حقیقی خود را باز می‌یابد، هرچند همه زن‌ها مهریه خود را ببخشند و چیزی دریافت ننمایند؛ چون این باور وجود دارد که آنها حقی داشته‌اند که از آن گذشته‌اند، نه اینکه وظیفه الزامی زن این است که مهریه خود را ببخشد. برخی از روایات این موضوع بدین شرح است: امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که با زنی ازدواج کند و قصد پرداخت مهریه او را نداشته باشد پس او در نزد خدا زناکار است.» (۴۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «پست‌ترین گناهان سه چیز است: قتل (بی دلیل) حیوانات و عدم پرداخت مهریه زن و اجرت اجیر.» (۴۲)

آن حضرت در جای دیگر فرمودند: «دزدان سه گروهند: آنها که زکات نمی‌دهند، و کسانی که مهر زن را نمی‌پردازند و اشخاصی که قرض می‌گیرند و خیال پرداخت ندارند.» (۴۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدا هر کسی را ممکن است بیامرزد، مگر آن کس را که مهریه همسرش را انکار کند یا دستمزد اجیر را غصب کند یا انسان آزادی را بفروشد.» (۴۴)

سیره ائمه اطهار علیهم السلام نیز چنین بود که مهریه زنان خود را می‌پرداختند و آنها را در امور داخلی منزل آزاد می‌گذاشتند تا آن‌گونه که تمایل دارند زندگی خود را ترتیب دهند. و تا جایی که فعالیت آنها منع شرعی نداشت، حتی اگر مخالف میل و شأن امامت ایشان بود با آن مخالفتی نمی‌کردند.

خود طلب اجرت کند. (۵۰)

شهید ثانی: شیر دادن فرزند بر مادر واجب نیست و می تواند طلب اجرت کند. (۵۱)

امام خمینی، (۵۲) آیت الله خوئی، (۵۳) آیت الله سیستانی، (۵۴) آیت الله تبریزی (۵۵) و آیت الله فاضل لنکرانی (۵۶) نیز چنین فتوا داده اند: «برای شیر دادن بچه، بهتر از هر کس مادر او است و سزاوار است که مادر برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرد و خوب است که شوهر مزد بدهد.»

بنابراین، زن حق دارد در مقابل شیر دادن فرزند خود طلب اجرت نماید و این اقدام نباید با قبح فرهنگی مواجه شود. اگر فرهنگ حاکم بر جامعه این حق را برای زن پذیرفت، آن وقت زنی که اجرت می گیرد به حق خود دست یافته و از منابع مالی ویژه ای برای تحقق خواسته های خود برخوردار می شود و اگر هم اجرت خویش را بخشید، به دلیل لطفی که انجام داده است مورد تقدیر قرار خواهد گرفت. در هر دو صورت، تلخی دردهای فرزندآوری به کام وی شیرین، و تحمل رنج فرزندپروری بر او آسان می شود که خود پیامدهای اجتماعی فراوانی در پی خواهد داشت.

خلاصه اینکه با احیای موقعیت حقیقی زن در نظام خانواده، قادر خواهیم بود بسیاری خشونت های خانگی را کاهش دهیم. بنابراین، تصویر کلی نظام خانواده مطلوب بدین صورت خواهد بود:

نظام خانواده مطلوب

از آن رو که انسجام و دوام هر گروه اجتماعی منوط به وجود موقعیت رهبری در آن گروه است، در نظام خانواده از نظر اسلام نیز فردی که موقعیت شوهری و پدری را داراست در موقعیت سرپرستی هم قرار خواهد داشت. اما

نگاه اسلام به چنین موقعیت هایی که فرد مسئولیت هایی را می پذیرد نگاه معنوی است و آن را ابزار خدمت به دیگران و کسب سعادت می داند. بنابراین، قرار گرفتن در این موقعیت، فضل و برتری شمرده نمی شود. البته در صورتی که فرد این موقعیت را وسیله تبعیت از هنجارهای آن و ایفای نقش خود قرار دهد به سعادت خواهد رسید. به هر حال، در این نظام مرد سرپرست خانواده است و وظیفه دارد به امور منزل رسیدگی نماید. به فرمایش پیامبر اکرم ﷺ «و مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آنها از او بازخواست می شود...» (۵۷)

قرآن کریم می فرماید: ﴿الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ (نساء: ۳۴)؛ مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده، و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند... .

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد؛ زیرا رهبری و سرپرستی دسته جمعی که زن و مرد مشترکاً آن را به عهده بگیرند مفهومی ندارد؛ در نتیجه، از مرد یا زن یکی باید «رئیس» خانواده و دیگری «معاون» و تحت نظارت او باشد. قرآن در اینجا تصریح می کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود. البته منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت ها و مشورت های لازم است. (۵۸)

بنابراین، سپردن این وظیفه به مردان، نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه سبب امتیاز آنها در جهات دیگر؛ زیرا آن صرفاً بستگی به تقوا و پرهیزگاری دارد، همان گونه که ممکن است شخصیت انسانی یک

به هر حال، فردی که اصلاً به سلیقه سایر افراد خانواده توجهی ندارد و همیشه و در همه موارد به خواست خود عمل می‌کند، در ادبیات روایات «منافق» نامیده شده است. و اگر این نوع فردگرایی به یک مسئله فرهنگی تبدیل شود، شاهد شیوع پدیده نفاق در جامعه خواهیم بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مؤمن به اشتباهی خانواده خود می‌خورد و منافق، خانواده‌اش به اشتباهی او می‌خورند.» (۶۳)

هنجار دیگری که برای موقعیت سرپرستی مطرح شده است، ایجاد رفاه و توسعه در زندگی است. اگر برای وی ممکن باشد که خانواده خود را از رفاه بیشتری برخوردار کند باید این کار را انجام دهد. توسعه در زندگی خانواده حتی بر انفاق‌های مستحبی دیگر اولویت دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر یک دینار در راه خدا و یک دینار در راه آزاد کردن یک بنده خرج کنی و یک دینار به مسکین کمک نمایی و یک دینار برای خانواده خود خرج کنی، ثواب آن یک دیناری که برای خانواده خود خرج کرده‌ای از همه بیشتر است.» (۶۴)

نیز می‌فرماید: «کسی که خداوند به او روزی فراوان عطا فرموده، ولی او برعیال خود سخت بگیرد، از ما نیست.» (۶۵)

باید توجه داشت موقعیت سرپرستی یک موقعیت نسبی است که سطوح متفاوتی خواهد داشت. بنابراین، سطحی از موقعیت سرپرستی در خانواده هم متعلق به زن است؛ یعنی او از حقوق و اختیاراتی برخوردار است که میزان دسترسی او به منابع نادر اجتماعی را افزایش می‌دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «زن نیز سرپرست خانه شوهر خود و فرزندان اوست و درباره آنها از او سؤال خواهد شد.» (۶۶)

معاون از یک رئیس در جنبه‌های مختلفی بیشتر باشد، اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده از معاون خود شایسته‌تر است. (۵۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «از خوشبختی مرد این است که سرپرست خانواده‌اش باشد.» (۶۰)

تعدی از وظایف محوله بی‌هنجاری تلقی می‌شود و فرد مورد مؤاخذة قرار می‌گیرد. سرپرست خانواده حق ندارد افراد تحت تکفل خود را رها نماید یا امور آنها را به دیگری واگذار کند. او باید تمام تلاش خود را برای اداره امور آنها به کار گیرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هیچ گناهی برای شخص بزر تر از این نیست که نان‌خور خود را ضایع کند.» (۶۱)
آن حضرت همچنین می‌فرماید: «کسی که خود را سربرار مردم کند ملعون است ملعون، و کسی که خانواده خود را ضایع کند ملعون است ملعون.» (۶۲)

از جمله هنجارهای موقعیت سرپرستی این است که در تصمیم‌گیری‌ها خواست و امیال خانواده خود را نیز در نظر داشته باشد و همیشه مطابق میل خود عمل نکند. اینکه مسکن خانواده در کدام شهر و محله باشد، چه غذاها و خوراکی‌هایی مورد استفاده قرار گیرد، چه نوع پوشاکی با کدام جنس و رنگ برای اعضای خانواده تهیه شود، یا اینکه نوع وسایل زندگی و حتی چینش آنها و همه امور مربوط به منزل، خوب است با مشورت و در نظر گرفتن خواست همه اعضای خانواده معین شود. حتی لباسی که سرپرست خانواده می‌خواهد برای خود تهیه نماید، حداقل لباسی که می‌خواهد درون خانه از آن استفاده نماید، ترجیحاً موافق خواست خانواده باشد؛ زیرا ممکن است بانو لباسی را برای شوهر برگزیند که وی آن را مناسب موقعیت اجتماعی خود نداند، اما می‌تواند آن لباس را تهیه نماید و فقط در منزل مورد استفاده قرار دهد.

نتیجه‌گیری

از جمله مهم‌ترین عوامل همسرآزاری نادیده گرفتن حقوق شرعی زنان و جعل و تحمیل وظایفی بر زنان می‌باشد که از دیدگاه متون دینی مشروع نیست. بر همین اساس، تحمیل کار خانگی بر زنان، اجبار آنها به پذیرایی از میهمان، قبیح شمردن طلب مهریه و اجرت شیردهی به فرزندان از سوی زن، مصادیقی از همسرآزاری است که مورد غفلت فرهنگی واقع شده است. این قبیل آزارها از دیدگاه متون دینی مورد نهی و مذمت فراوان قرار گرفته است که در صورت توجه به آن و محو این قبیل آزارها از صحنه جامعه، شاهد ارتقای جایگاه اجتماعی زنان و به دنبال آن کاهش نرخ انواع دیگر همسرآزاری خواهیم بود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- آرتور کریستن سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ص ۴۳۲.
- ۲- همان.
- ۳- مرتضی راوندی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۲، ص ۴۴، به نقل از: مرتضی مطهری، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، ص ۲۵۲.
- ۴- آرتور کریستن سن، همان، ص ۴۳۳.
- ۵- مرتضی راوندی، همان، ج ۲، ص ۴۵.
- ۶- آرتور کریستن سن، همان، ص ۴۴۶.
- ۷- علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه*، ذیل واژه «آزار».
- ۸- سید علی‌اکبر قریشی، *قاموس قرآن*، ج ۱، ص ۵۹، ذیل واژه «اذی».
- ۹- لوییس معلوف، *المنجد*، ص ۱۵، ذیل مدخل «اذی».
- ۱۰- ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ذیل واژه «اذی».
- ۱۱- راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۳۲، ذیل واژه «اذی».
- ۱۲- شهیندخت مولاوردی، *کالبدشکافی خشونت علیه زنان*، ص ۳۸.
- ۱۳- همان، ص ۳۵.
- ۱۴- ماریا روی، *زمان کتک خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده*، ترجمه و تلخیص مهدی قراچه‌داغی، ص ۱۱۶.
- ۱۵- شهلا اعزازی، *خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی*، ص ۱۹۵.
- ۱۶- همان، ص ۱۹۶.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- آنتونی گیدنز، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۴۳۹.
- ۱۹- شهلا اعزازی، همان، ص ۱۰۳.
- ۲۰- همان، ص ۲۰۴.
- ۲۱- همان، ص ۲۰۵.
- ۲۲- همان، ص ۱۰۴.
- ۲۳- همان.
- ۲۴- همان، ص ۱۰۵.
- ۲۵- فریده ممتاز، *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، ص ۱۸۱-۱۸۳.

26. Violence Symbolique.

27. Pierre Bourdieu.

۲۸- ناصر فکوهی، *مجله اینترنتی علوم اجتماعی*، فصل نو،

www.fasleno.com/archives/000574.php.

- ۲۹- همان.
- ۳۰- محمدبن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۴، ص ۱۲.
- ۳۱- محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۲۲۲.
- ۳۲- امام خمینی، *توضیح المسائل*، ص ۳۳۵، مسئله ۲۴۱۴.
- ۳۳- سیدابوالقاسم خوئی، *توضیح المسائل*، ص ۴۳۲، مسئله ۲۴۲۳.
- ۳۴- سیدعلی سیستانی، *توضیح المسائل*، ص ۵۰۴، مسئله ۲۴۲۳.
- ۳۵- جواد تبریزی، *توضیح المسائل*، ص ۴۲۴، مسئله ۲۴۲۳.
- ۳۶- محمد فاضل لنکرانی، *توضیح المسائل*، ص ۴۶۷، مسئله ۲۴۸۲.
- ۳۷- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۴، ص ۲۷۹.
- ۳۸- غلامرضا صدیق اورعی، *بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام*، ص ۱۰۹.
- ۳۹- محمدرضا سالاری فر، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناختی*، ص ۱۸۰.
- ۴۰- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۰۴، ص ۱۷۳.
- ۴۱- محمدبن علی صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۳۹۹.
- ۴۲- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۵.
- ۴۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۳۴۹.
- ۴۴- میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۳، ص ۳۷۹.
- ۴۵- فضل‌بن حسن طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۳۲.
- ۴۶- همان.
- ۴۷- محمدبن محمد نعمان مفید، *المقنعه*، ص ۵۳۰.
- ۴۸- ابن ادریس حلّی، *السرائر*، ج ۲، ص ۶۴۸.
- ۴۹- محقق حلّی، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تحقیق سیدصادق شیرازی، ج ۲، ص ۵۶۸.
- ۵۰- حسن بن یوسف حلّی، *مختلف الشیعه*، ج ۷، ص ۳۰۴.
- ۵۱- شهید ثانی، *مسائلک الافهام*، ج ۸، ص ۴۱۲.
- ۵۲- امام خمینی، همان، ص ۳۴۳، مسئله ۲۴۸۷.
- ۵۳- سیدابوالقاسم خوئی، همان، ص ۴۴۴، مسئله ۲۴۹۶.
- ۵۴- سیدعلی سیستانی، همان، ص ۵۱۸، مسئله ۲۴۹۶.
- ۵۵- جواد تبریزی، همان، ص ۴۳۶، مسئله ۲۴۹۶.
- ۵۶- محمد فاضل لنکرانی، همان، ص ۴۸۱، مسئله ۲۵۵.
- ۵۷- حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، *ارشادالقلوب*، ص ۱۷۳.
- ۵۸- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۳۷۰.
- ۵۹- همان، ص ۳۷۵.
- ۶۰- محمدبن علی صدوق، همان، ج ۳، ص ۱۶۸.
- ۶۱- *نهج‌الفصاحه*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۴.
- ۶۲- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۵۴۴.
- ۶۳- همان، ص ۵۴۳.
- ۶۴- میرزا حسین نوری، همان، ج ۷، ص ۲۴۲.
- ۶۵- *نهج‌الفصاحه*، ص ۳۸۴.
- ۶۶- حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، همان، ص ۱۷۳.
- منابع**
- *نهج‌الفصاحه*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- ابن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۱ق.
- اعزاز، شهلا، *خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی*، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ج سوم، تهران، آگه، ۱۳۸۸.
- امام خمینی، *رساله توضیح‌المسائل*، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- تبریزی، جواد *رساله توضیح‌المسائل*، بی‌جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌بیت، بی‌تا.
- جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، *مسائلک‌الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه‌المعارف‌الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق.
- حلّی، ابن ادریس، *السرائر*، ج دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- حلّی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تحقیق سید صادق شیرازی، ج سوم، طهران، استقلال، ۱۴۰۹ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعه*، قم، مؤسسه‌النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- خوئی، سیدابوالقاسم، *رساله توضیح‌المسائل*، ج دوم، بی‌جا، رستگار، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، *ارشادالقلوب*، بی‌جا، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه.ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۶ق.
- راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، سوئد، آرش زمانه، بی‌تا.
- روی، ماریا، *زمان کتک خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، علمی، ۱۳۷۷.

- سالاری فر، محمد رضا، **خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناختی**، تهران، سمت و حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- سیستانی، سید علی، **رساله توضیح المسائل**، بی‌جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، بی‌تا.
- صدوق، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- صدیق اورعی، غلامرضا، **بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام**، بی‌جا، اداره کل پژوهش‌های سیما، ۱۳۸۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مکارم الاخلاق**، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، **رساله عملیه**، چ سی‌ام، تهران، ایران، ۱۳۷۸.
- قریشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- کریستن سن، آرتور، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، چ هفتم، بی‌جا، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، ۱۳۷۴.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، لبنان، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ق.
- مطهری، مرتضی، **خدمات متقابل اسلام و ایران**، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
- معلوف، لویس، **المنجد فی اللغة**، تهران، فرحان، ۱۳۷۹.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، **المقنعه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ممتاز، فریده، **انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها**، چ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- مولاوردی، شهیندخت، **کالبدشکافی خشونت علیه زنان**، تهران، حقوقدانان با همکاری دانش نگار، ۱۳۸۵.
- نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل‌البتین، ۱۴۰۸ق.